

اما عقیده ما

در باره ارتباط با ارواح

چگونه روح سر باز عربی که در جنک اعراب کشته شده
تقاضای «شکر پنیر» کرده است ؟

بالبنکه در دو شماره مجله ، دردها هزار نسخه ، از کسانی که مدعی
هستند بلیز گرد و مانند آن ، میتوانند با ارواح تماس بگیرند ، و پیامهای دریافت
دارند ، دعوت نمودیم که در جمعیه از اهل فضل و دانش این موضوع را عملیادامه
دهند ، و قول دادیم آنچه را مشاهده نمودیم عیناً در مجله روح تراهمیم کرد ، با اینهمه
جای تمجید است که هنوز در میان نامه های فراوانی که همه روز بدفتره حلقه میرسد
جز یک نامه (آنهم نامه ای بیون امضاء) که مضمون عجیب آنرا در همین شماره
خواهید خواند ، ما نرسیده است .

مایا بدینگر این دعوت را تکرار می کنیم و اضافه می نمائیم که هرینه رفت و
آمد چنین کسی بشم و پنج روز پذیرائی در یکی از مهلهای درجه اول قم از دفتر
مجله نیز پرداخته خواهد شد ، منتها باید از روح و نشانه های قانع کننده ای ما
بگیرد که مورد قبول اهل اطلاع باشد .

رساله جامع علوم الغایب

صاف و صریح باید گفت : ارتباط با ارواح بدلالی که ارائه خواهیم داد
امکان پذیر است ، و هیچ دلیلی بر انکار آن نداریم ، ولی برای این دو موضوع شرایط
و آمادگیهای فراوانی لازم است و مانند هر کار دیگر ، تخصص و استعداد خاصی
نیخواهد ، و بدون تخصص ممکن نیست .

اما گفتگوی ما فعلاً درباره عوج میز تحریر و دوازده است که هر کس مایل
باشد بتواند بدون هیچگونه تعهد و شرط این دستگامارزان قیمت ، سخا برائی عالم
ارواح ، را در خانه خود تهیه کرده ، وقت و بیوقت بوسیله آن با جبهان ارواح ارتباط
برقرار سازد ، گل بگوید و گل بشنود ، و یا سایر بحثی آسانتر از مراجعه به «طب

یکه پزشک سادهمسولی - باروخ و یولی سینا ۱۴ تماش بگردید و برای آقا زاده و خان زاده و سایر اهلیت نسحقطبی - بدون حق و زیادت - از این سینا دریافت دارد .

حقیقت این است که ما این موضوع بیزگرد و دراز را بیک سرگرمی و بلاوجه شبیهت میدانیم تا بیکه واقعتاً !

مخصوصاً این روزها این کار بیزگرد به ابتذال کشیده ، و تا سر حدیک وسیله خطرناک برای تکفیه حساسهای شعسی ، یا اثبات عقائد خصوصی و مسلکی ، پیرفته است ، دستسگری برای دروغ بستن به این و آن شده است .

موج اخیر میزگرد و دراز - مثل خیلی چیزها ، که از سوفاهای غرب است که از نوشتهها و مجلات آنها ترجمه شده است ، میگویند در حدود ده سال پیش این بازی نیز در امریکا رواج شد بدین بافت و مبدور شد . و اکنون نیز وسیله یکی از مجلات فریبدهنده ما این سرگرمی بضمیمه مسائل خرافی بی اساسی مانند مسئله تناسخ و بازگشت روح به بدن الهائی دیگر در محیط ما رواج یافته است .

برای اینکه بدانید کار ارتباط با ارواح در محیط ما چگونه کشیده شده ، و چقدر سودتی در آمده است ، مضمون و تنها ، نامها که بدلیل آن دعوت عمومی جستما میدهند است از شمار شما میگردانیم :

آقای ناشناسی در نامه بدون امضای خود می نویسند :

ما هم بوسیله میزگرد با همان تشریفاتی که شما در مجله نوشته اید (بدون میخ و ...) با ارواح تماس برقرار نمیکیم ، مثلها فرقی که کار ما با دیگران دارد این است پس از آنکه تماس برقرار شد قلم را بدست گرفته و نوبت آن را روی کاغذ میگذاریم این قلم بوسیله روح متوفی گردش کرده ، پاسخ سؤالات ما را می نویسد ، اما همه حرفها را مثل دگر هم نمی نویسد (لابد چون روح است باید همه چیزش طرد دیگری باشد) و گاهی هنگام استراحت یعنی از ارواح زنجاری گاه علوم انسانی روح مورد نظر روح مزاحمی می آید .

مثلاً : روح یکی از قامل را خواستیم ، دستگاره بگردش آمد اما روح مزاحسی بود و ما را با جملات بی معنی و بی ربطی با او درود بدل کردیم ، سؤال و جوابها عیناً چنین بود :

س - شما چه کسی هستید ؟ ج - من یک سر بلا که در جنگ اعراب کشته شده ام !

س - شما قبر و محل دفن کجاست ؟ (عین عبارت) ج - من قبر ندارم !

س - شما از ما چه میخواهید ؟ ج - احتیاج به خیرات دارم

س - چی برای شما خیر کنیم ؟ ج - «شکر پنیر» ۱۱۱

پس از آنکه مقداری «شکر پنیر» برای او فرستادیم مجدداً او را احضار نمودیم :

س - آیا خیرات که کردیم رسید ؟ ج - بله ممنون !

س - آیا اظهار تشکر از ما نمیکنی ؟

بعد بدیم پیک و چیزها ، روی کاغذ منکس گردید ، و بعد که ارتباط قطع شد نگاه کردیم .

دریم عکس خود را کشیده است در حالی که سلام نظامی داده است . . . (با دهم بگوئید عریضه حق شناس بیستد ، یا روی ای دو اشکر پنیر اینطور سلام نظامی میدهند و تشکر میکنند)

تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجلد !

اکنون بر گردیم به تجزیه و تحلیل موضوع میزگرد :

در مورد « حرکت میل » که عده زیادی میگویند بدون هیچگونه افعال قدرتی بحرکت در می آید بیشتر چنین نظر میگردیم که حرکت میل معلول تمرکز نیروی فکری خود شخص ، و تأثیر ناخود آگاه آن روی احساس دست او بوده باشد .

باین ترتیب که شخص با اشخاصی که دست خود را آزاد روی میز گذارده اند بواسطه تمرکز فکری ، و توجه خاص به مطلبی ، و تسامیل به یک نوع پاسخی ، نیروی درونی ناخود آگاه آنها روی احساس دستشان فشار وارد کرده و میز را به یک طرف گردش میدهد ، و همین دلیل خود او هم خیال میکند که میز خود بخود گردش نموده ، و لذا غالباً حرکت میز موافق نظر تشکر و نوع تساملات ، آن شخص یا اشخاص است ، نه موافق روحی که مدعی ارتباط با او هستند ، و همچنین حرکت قلم روی کاغذ نیز معلول همین موضوع است .

مثلاً کسی که تنبهای جمعه برای اموات خود شکر پنیر خیرات می نماید تصور میکند که روح عزیزی در هم شکر پنیر می خواهد (اگر چه خیرات باین صورت آتیم باشکر پنیر اسلامیان آنها وجود نداشته باشد) .

تأثیر ناخود آگاه تنبهای فراوان دارد ، مثلاً : بسیار میشود که هنگام نوشتن نامهای یا کتک کوی یا شخصی ، بدون توجه بجای نام کسی نام دیگری را میبریم که مورد علاقه ماست و من نمیبریم بلکه گمان میرویم احساس دست یا زبان اثر میگذارد و به طوری میبرد که موافق تسامیل یا تشکر ما می باشد .

این موضوع در کودکان و افراد کم سن خیلی زودتر صورت میگیرد و لذا بسیاری از این ارتباطات را بوسیله آنها انجام میدهند .

من به اصحاب میزگرد میگویم آخر اگر روح باشما تماس میکند آیا این روح قدرت ندارد میز باین سبکی و روانی را بدون دست گذاشتن شما حرکت دهد ؟

آیا روح با آن همه قدرت از چنین کار ساده ای عاجز است ؟

دستان را از روی میز بردارید و از روح بخواهش کنید زحمت بکشد آنرا تکان دهد . . . ولی همه این آقاها معتقدند تا دست روی میز نگذارند میز تکان نمیخورد ، و این مسئله عجیبی است .

اما در مورد پنهانی که بوسیله میز گرفته میشود در شماره بعد سخن خواهیم گفت .